

تحلیل تبلور اندیشه انتظار از دیدگاه امام خمینی در مکتب سردار سلیمانی و تقابل آن با دیدگاه سنتی جریان انجمن حجتیه

حجت حیدری چراتی^۱

چکیده

عصر انتظار، به دلیل ظاهر نبودن امام معصوم، الزامات و رفتارهای خاصی دارد و خوانش‌های مختلف در مورد منجی موعود و انتظار، زمینه به وجود آمدن مکاتب و جریان‌های مختلف در جامعه شیعی را سبب شده است. در میان خوانش‌های مختلف شیعه از مسئله انتظار، به عنوان یکی از دغدغه‌های شیعیان، این نوشتار درصدد بررسی و مقایسه دو دیدگاه مهم «انجمن حجتیه» پیش از انقلاب اسلامی، و «مکتب سردار قاسم سلیمانی»، به عنوان یکی از شاخه‌های بنیانی نهضت امام خمینی در نهادینه کردن اصول انتظار بعد از انقلاب و تبدیل مفاهیم انتظار منفعل و فردی، به انتظار سازنده و پویا است که درعین توجه به فردیت، انتظار اجتماعی را نیز معنا می‌کند.

مقاله پیش‌رو، از حیث زمانی، به سال‌های به‌وجودآمدن انجمن حجتیه و سال‌های زیست سردار قاسم سلیمانی نظر دارد و از حیث قلمرو، متوجه ایران، به خصوص قبل و بعد از انقلاب اسلامی است. یافته‌ها حاکی از آن است که عصر انتظار از دوره انتظار فردی، با نگاه انجمن حجتیه و تکیه بر اسلام سنتی، دعا و توسل صرف، گذر کرده است و با پیروزی انقلاب اسلامی به دوره انتظار اجتماعی با دیدگاه امام خمینی وارد شده و شاگردانی در مکتبش تربیت کرده است، همچون سردار سلیمانی که خود مکتب ساز شده و زمینه‌سازی ظهور را هم به صورت فردی و هم جمعی در بُعد جهانی عملیاتی کرد. این جستار به صورت توصیفی-تحلیلی با استفاده از روش گردآوری کتابخانه‌ایی و بهره‌گیری از اسناد و آرشیوهای موجود، پژوهش‌های رسمی و معتبر به نگارش در آمده است.

کلیدواژگان: انتظار، مکتب، سردار سلیمانی، انجمن حجتیه، انتظار فردی، انتظار اجتماعی.

۱. مدیر گروه پژوهشی نقد فرق انحرافی مرکز تخصصی مهدویت قم. hojatheidari@gmail.com

در بین ادیان و مکاتب مختلف در دنیا که همه به وجود منجی قائل هستند؛ شیعیان خود را به عنوان منتظران واقعی می‌دانند که حضرت حجت بن الحسن المهدی عجل الله تعالی فرجه امام حیّ شان می‌باشد.^۱ در این بین، میان شیعیان نیز تفاوت دیدگاه و اندیشه‌های گاهی متعارض وجود دارند، طولانی شدن انتظار در بین منتظران نیز رویش‌ها و ریزش‌هایی را باعث می‌شود، و گاه با توجه به اوضاع و فضای حاکمیتی و یا نگرشی خاص به آموزه‌های دینی، خوانش‌های متفاوتی از مقوله انتظار و مهدویت رخ می‌دهد، از جمله: گروه‌هایی که مسیره‌های التقاطی و یا انحرافی را می‌پیمایند؛ یا مکتب‌ها و آموزه‌هایی رشد می‌کنند که انتظار پویا و بالنده‌ای را به نمایش می‌گذارند. از این رو، برآنیم با پاسخ به سوالات ذیل، برای حرکتی پیش‌راننده در اتصال عصر غیبت به ظهور اقداماتی داشته باشیم:

۱. اندیشه‌های مکتب سردار سلیمانی در پیشبرد جامعه به سمت همه‌گیر شدن مسئله انتظار در مقایسه با اندیشه جریان انجمن چگونه است؟

۲. تفاوت انسان منتظر و غیر منتظر از منظر، این دو دیدگاه در چیست؟

۳. آثار اشاعه فرهنگ منتظر و بی‌تاب بودن در مقوله انتظار، بنابر این دو نظریه در جامعه چگونه خود را نشان داده است؟

این نوشتار به دنبال بیان ضرورت اندیشه انتظار در جامعه با قالب تفکر جنبش‌هایی سنتی همچون انجمن حجتیه و تفکر مقابل آن، یعنی مکتب سردار سلیمانی می‌باشد، و در پی دستیابی به این هدف است که انسان منتظر چگونه می‌تواند از اندیشه‌ها و افکار موجود (چه درست و چه نادرست، ناقص یا کامل) به منظور رشد جامعه مهدوی بهره‌گیرد؟ آنچه به عنوان فرضیه در این پژوهش

۱. نکته: شیعیانی که در دوره حضور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه حضور داشتند و حتی بعد از شروع غیبت ایشان، ارتباطشان با امام، توسط چهار نایب صالح برقرار بود. این شیعیان با شیعیان دوره غیبت کبرا تفاوت قابل توجهی دارند؛ زیرا در این دوران (غیبت کبرا) به دلیل کثرت آرا و دیدگاه‌های مختلف، اندیشه‌های گوناگونی در مورد انتظار و مهدویت ایجاد شده است.

مطرح شده، این است که پرداختن به دو دیدگاه انجمن حجتیه و سردار سلیمانی در مقوله انتظار به صورت نگاهی فردی و جمعی در پیشبرد جامعه اسلامی-شیعی به سوی تحقق آرمان‌های اصیل مهدوی مؤثر است.

مطالعات مختلفی در مورد مسئله انتظار و انجمن حجتیه از راه‌های گوناگونی همچون تاریخی، تفسیری و روایی صورت گرفته است؛ اما در مورد سردار سلیمانی تا به حال به جز نگارش خاطرات و زندگینامه وی، کار علمی در خصوص دیدگاه و مکتب ایشان به نگارش در نیامده است. عمالدین باقی در کتابی به نام «در شناخت حزب قاعدین زمان» به توصیف انجمن حجتیه پرداخته است. سیدضیاءالدین علیان‌سب و سلمان علوی نیک در «جریان شناسی انجمن حجتیه» به بررسی شرایط شکل‌گیری «انجمن حجتیه» از تشکل‌های ضد بهائیت که مقارن با کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ توسط «شیخ محمود حلبی» تاسیس شد، ابعاد فکری و اعتقادی این انجمن، عملکرد انجمن از بدو پیدایش، بعد تشکیلاتی، روابط انجمن با رژیم پهلوی، موضع‌گیری انجمن نسبت به نهضت امام خمینی علیه السلام و تحرکات اخیر انجمن حجتیه را مطرح کرده است.

وجه امتیاز مقاله حاضر، مقایسه بررسی دو نگاه مشهور شیعی به انتظار در یک اثر می‌باشد: دیدگاه سنتی به انتظار در نگاه انجمن حجتیه و دیدگاه پویا و فعالانه در نگاه نهضت امام خمینی و تبلور اندیشه‌های ایشان در معنا بخشیدن به انتظار در مکتب سردار سلیمانی.

مفاهیم نظری

برای درک و فهم هرچه بهتر نوع مقایسه دیدگاه‌های انجمن حجتیه و سردار سلیمانی، لازم است چندین واژه مرتبط با این نوشتار مورد بررسی قرار گیرد و مقصود مورد نظر از این واژگان برای مخاطب تشریح گردد. این کلمات عبارتند از: مکتب، نظریه، اندیشه و جریان. علاوه بر تعریف این کلمات، تفاوت معنایی آن‌ها از یکدیگر مورد توجه قرار می‌گیرد. گفتنی است از آن جا که هر دو دیدگاه به اسلام و مذهب شیعه منتسب هستند، تعاریف نیز در قالب تفکر اسلامی آورده می‌شود.

مکتب: مکتب عبارت است از: طرح جامع و منسجم با ارائه جهان‌بینی و دستورالعمل‌هایی که راهنمای بشری به سمت کمال و هدف است. بنا به تعریف شهید مطهری، مکتب و ایدئولوژی

ضرورت خود را می‌نمایاند؛ یعنی نیاز به تئوری کلی، و طرحی جامع و هماهنگ و منسجم که هدف اصلی، کمال انسان و تأمین سعادت همگانی است و در آن، خطوط اصلی و روش‌ها، بایدها و نبایدها، خوب‌ها و بدها، هدف‌ها و وسیله‌ها، نیازها و دردها و درمان‌ها، مسئولیت‌ها و تکلیف‌ها مشخص می‌شوند و منبع الهام تکلیف‌ها و مسئولیت‌ها برای همه افراد بوده باشد.^۱

نظریه: در این نوشتار «اندیشه» و «نظریه» به یک معنا آورده شده است. بنا به تعریف کرلینگر^۲ تئوری یا نظریه مجموعه‌ای است از اجزا و مفاهیم به هم مرتبط که به نحوی سیستماتیک مشخصات و ویژگی‌های یک پدیده را معین می‌کند.^۳ نظریه پرداز، طراحی سیستماتیک موضوع-های به هم پیوسته‌ای است که برای فهم موضوع، توضیح، تشریح، پیش‌بینی و کنترل پدیده‌ها کار می‌رود.^۴

جریان:^۵ تشکل، جمعیت و گروه اجتماعی معینی که علاوه بر مبانی فکری، از نوعی رفتار اجتماعی نشأت می‌گیرد. در تعریفی مشابه، «جریان فرهنگی» به گروهی از افراد اطلاق می‌شود که گرایش‌های فرهنگی همگون یا یکسانی دارند و به سوی پدیدآوردن یک خرده فرهنگ در حرکت هستند.^۶

۱. مطهری، مجموعه آثار، جلد ۲، ص ۵۳.

2. Kerlinger (1986).

3. M.K.Mathotra, V.Grover "An Assessment of survey research in POM from constructs to theory" journal of operation management- 1998.

4. H.P.Mckenna "theory and research a linkage to benefit practice" pergamo- 1997.

۵. برخی نویسندگان با ذکر عناوین متعددی نظیر حزب، گروه و جناح، در توصیفی منطبق بر فضای سیاسی، تلاش کرده‌اند نموداری از مفهوم جریان به دست دهند (ر.ک: منصورنژاد، محمد، «جریان شناسی فکری پیرامون جمهوری اسلامی؛ راه‌یافت انتقادی»، فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق علیه السلام، ش ۲۳، پاییز ۱۳۸۳). البته معمولاً در این موارد، از جریان و نسبت آن با گروه‌بندی‌های حاکم بر سیاست تعریف دقیقی ارائه نشده، تنها به ربط این مقوله با جامعه شناسی اشاره شده است.

۶. مهدی‌پور، فرشاد، گونه‌شناسی جریان شناسی‌های فکری- فرهنگی در ایران معاصر، ص ۹-۱۰.

انتظار در فرآیند تاریخ معاصر

برای مقایسه مکتب سردارسلیمانی و انجمن حجتیه با محوریت «انتظار»، لازم است نکاتی را درمورد انتظار مطرح کنیم.

دست کم سه مؤلفه برای انتظار وجود دارد؛ از جمله:

۱. قانع نبودن به وضع موجود؛

۲. امید دست‌یابی به وضع مطلوب؛

۳. حرکت و تلاش برای گذر از وضع موجود و قرار گرفتن در وضع مطلوب.

مسئله انتظار در سیر حرکت تاریخی خود، دوره‌های پرفراز و فرودی را تجربه کرده است که هر کدام از مراحل ذکر شده، بخشی از روند تکامل تاریخی این اندیشه را برعهده داشته است. در هر دوره‌ای - بسته به اوضاع و موقعیت‌های سیاسی اجتماعی حاکم بر جهان اسلام - مؤلفه‌های مختلفی از فرهنگ و تاریخ شیعه، رشد و تعالی یافته است، چنان‌که هر کدام از تعاریف و برداشت‌ها، فرصت و امکان خوانشی غیر از اندیشه خود را می‌توانست اتخاذ کند؛ اما با به وجود آمدن تعدد نگاه‌ها و اندیشه‌ها و ایجاد امکان معرفی تمام دیدگاه‌ها و آگاهی بخشی صحیح و به دور از حواشی جانبدارانه؛ افراد جامعه فرصت انتخاب برتر و کامل‌تر را به‌دست می‌آورند؛ که نمونه بارز آن، مکتب سردارسلیمانی است که مدیون آموزه‌های گذشتگان است و توانست نتیجه و تکمله نگاه منتظر در این سه مؤلفه را به نمایش گذارد.

با توجه به مسئله آگاهی بخشی، موضوع منجی موعود، به مثابه یک نظریه موعودی تمام عیار و به جا مانده از آموزه‌های نبوی در مورد موعود آخرالزمان و نجات‌دهنده جهان مطرح بوده و نفوذ و فراگیری نسبتاً قابل توجهی میان مسلمانان داشته است. با همه این اوصاف، باید بپذیریم که رویکرد به آموزه‌های مهدوی به کمی و کاستی‌هایی دچار بوده است. امام خمینی حکومت جمهوری اسلامی را مقدمه‌ای برای بیداری جهان اسلام از بردگی مدرن می‌داند و انتظار ظهور حجت را اقتدار و شکوه اسلام تبیین می‌کند: «ما همه انتظار فرج داریم و باید در این انتظار، خدمت بکنیم.

انتظار فرج، انتظار قدرت اسلام است و ما باید کوشش کنیم تا قدرت اسلام در عالم، تحقق پیدا کند.^۱ با تعمق در این دیدگاه، پویایی و از پا ننشستن در مسیر انتظار فعالانه موج می‌زند. بر همین مبناست که، زیر پرچم مکتب امام خمینی و آموزه‌های او، مکتب سردار رشد می‌کند و همچون نقشه‌ای حساب شده حرکت جمعی، عمقی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی برای اعتلا و قدرتمند کردن پرچم صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریح پیش می‌رود و انتظار را به جوششی جهانی راه می‌برد.

التقاط گرایی در مفهوم انتظار

اندیشه مهدویت در ادوار گذشته، به مثابه یک گزاره دینی بحث و بررسی می‌شد؛ به این صورت که رویکرد صاحبان اندیشه و علما، به موضوعات، مسائل، روایات، توقعات، ادعیه و دیگر مسائل مهدوی به صورت موردی و جزئی معطوف بود.^۲ توکل و توسل، به عنوان نمادهایی جزئی‌نگرانه و در اعتقادات فردی شیعه، با توجه به سفارش‌هایی که در مورد آن‌ها شده است و البته به جای خود باقی و ارزشمند هستند؛ اما نمی‌توان به امید فایق آمدن بر هجمه عظیم مکر و حيله‌های دشمنان بر آن‌ها تکیه کرد؛ از این رو، نگاه التقاطی به انتظار، تنها وظیفه منتظر واقعی را در دعا و توسل برای ظهور می‌داند و نمادی از انتظار فردی را متجلی می‌کند؛ نگاهی که، پیش از انقلاب نمود داشت؛ عزاداری به پا می‌شد، در اعیاد، جشن‌ها برگزار می‌گردید، نماز اقامه می‌شد و سایر اعمال مسلمانی نمود داشت؛ اما «حکومت» طاغوت بود و شیعیان زیر یوغ استعمار به سر می‌بردند و این رویکرد، از انتظار به عنوان یکی از مهم‌ترین ارکان شیعه، مسئله‌ای فرعی می‌ساخت. می‌توان از اعتقادات انجمن حجتیه این‌گونه برداشت کرد: به دلیل دوری از امام، در زمان انتظار باید غمگین بود و گریست؛ باید برای ظهور دعا کرد و در برابر اوضاع موجود تا زمان تحقق ظهور امام عجل الله تعالی فرجه الشریح تسلیم بود، شیعیان باید برای سلامتی امام صدقه بپردازند و برای احکام روزشان از مجتهدان تقلید کنند؛ ولی توجه به این نکته ضروری است که هرچند دعا و توسل برای ساختن بعد فردی انسان بسیار لازم است؛ کافی نیست و نتیجه آن، تربیت در ساحت تک محوری بودن است و طبعاً در

۱. امام خمینی، صحیفه نور، ج ۱۸، ص ۳۷۴.

۲. عرفان، نقش انقلاب اسلامی ایران در تغییر نگرش به آموزه مهدویت، ص ۵.

این صورت، حوادث و فراز و فرودهای جامعه و نداشتن اندیشه وسیع، انسان را در میانه راه می‌گذارد. سردار سلیمانی در میدان عمل و اثرگذاری عمیق رفتاری بر تحقق عدالت پیش از عدالت جهانی حضرت صاحب‌الزمان عجل الله تعالی فرجه همراه و قرین نماز و عبادات و توسلات به اهل بیت علیهم السلام بود و قدرت پیشروی در جبهه‌ها را از این منبع عظیم می‌گرفت. سردار محمدرضا فلاح‌زاده می‌گوید: «حاجی، اهل نماز شب بود؛ همیشه در قرارگاه نصر حلب و قرارگاه ثارالله ابوکمال، یک ساعت قبل از نماز صبح، مشغول نماز شب می‌شد. اهل دعا، زیارت و قرائت قرآن بود.»^۱ توکل و توسل در مکتب سلیمانی با حرکت و تفکر و عقلانیت آمیخته است؛ زیرا در سیر تکامل جهان‌بینی سردار، در مکتب امام خمینی رحمه الله دو بُعد مهم و اصلی معنویت و عقلانیت قرار گرفته و به گفته رهبری در سخنان ۱۴ خرداد ۱۳۹۰: «در بُعد عقلانیت، به کار گرفتن خرد و تدبیر و فکر و محاسبات، در مکتب امام خمینی، مورد ملاحظه بوده است.»

ساحت انتظار در حکومت دینی

تا پیش از انقلاب اسلامی، بنا بر دیدگاه سنتی و رایج از مهدویت و برداشت منفعلانه و انزواگرایانه از مفهوم انتظار (با توجه به فعالیت‌های فرهنگی مهدوی در برهه‌هایی از تاریخ)؛ مقوله «انتظار»، یکی از عوامل رکود و انفعال و انزواگرایی سیاسی شیعیان بود. نبود حکومت مشروع و الهی و تلقی از انتظار، به عنوان «سکون»، نتیجه‌ای که برای شیعه از حکومت داشته دو مدل را ترسیم می‌کرده است: حکومت امام معصوم علیه السلام و حکومت حاکم ظالم که نمی‌تواند مشروع باشد.^۲ در بحث انتظار و توجه عمقی یا سطحی داشتن و یا توجه به ظاهر و بی‌اهمیتی به باطن کلام، چه آگاهانه و چه ناآگاهانه، یکی از مهم‌ترین عوامل دسته‌بندی انتظار می‌باشد. آقای حلبی، رهبر انجمن حجتیه، در معروف‌ترین گردهمایی منتسب به انتظار پیش از انقلاب اسلامی در یک سخنرانی این گونه می‌گوید: «...الان هم می‌گوییم حکومت اسلامی خوب است، شما آن مصداق حاکم اسلامی را نشان بدهید، اون‌ی که معصوم از خطا باشد، نشان بدهید؛ اون‌ی که معصوم از گناه باشد، نشان

۱. شیرازی، شاخص‌های مکتب شهید سلیمانی، ص ۳۹.

۲. عرفان، نقش انقلاب اسلامی ایران در تغییر نگرش به آموزه مهدویت، ص ۵.

بدهید؛ اونی که هوا و هوس و حب ریاست و شهرت و غصب و تمایلات نفسانی به هیچ وجه در او اثر نکند، نشان دهید؛ او بیاید توی میدان جلو بیفتد؛ ملت می‌افتد به خاک پایش؛ تمام روحانیین قربان خاک پایش می‌شوند. آن وقت واجب است منبر را ول کنم؛ منبر بازی است؛ هفت‌تیر به کمرم ببندم بروم جلو، آن رهبر جلو باشد... ان شاء الله تعالی به یاری خدا و به لطف خدا آن حاکم اسلامی، آن حاکم الهی که معصوم از هر خطا و اشتباه است و معصوم از هر گناه است، حضرت بقیه‌الله الاعظم ولی‌الله الاعظم امام‌زمان عجل‌الله‌فرجه او تشریف بیاورد، جانمان را قربانش می‌کنیم.^۱ تأکید آقای حلبی بر «عصمت» حاکم اسلامی است و ایشان «عدالت» را کافی نمی‌داند و به زعم انجمن، مبتنی بر روایات؛^۲ قبل از ظهور امام‌زمان عجل‌الله‌فرجه تشکیل حکومت اسلامی غیرمعصوم مشروعیت ندارد. نتیجه این دیدگاه برای افراد جامعه نشستن و دست روی گذاشتن است. این جامعه همانند بنایی ناقص است که تمام امورش به بودن مهندس منوط می‌باشد و سرکارگر و کارگران هیچ تلاشی برای پیش بردن ساختمان و تکمیل آن ندارند و صرفاً باید مهندس بیاید و تکالیف را شخص به شخص مشخص کند. در چنین اوضاعی افراد جامعه، برای بهتر کردن اوضاع جامعه مسئولیتی برعهده نمی‌گیرند که طبعاً برآیند آن، حاکم شدن افراد ظالم و سودجو خواهد بود و جز اطاعت و زیر یوغ ستم بودن چاره‌ای نیست و به دلیل خموده شدن روحیه حق‌طلبی افراد، رهبران این دیدگاه مخالف هرگونه تغییرات و نظریات برای پویا شدن جامعه می‌شوند.

درحالی‌که امام خمینی بدیهی‌ترین و اصلی‌ترین کار در دوران غیبت را «تشکیل حکومت اسلامی» می‌داند و می‌فرماید: «این عدالت جز در سایه حکومت اسلامی تحقق نمی‌یابد... لزوم حکومت به منظور بسط عدالت... از بدیهی‌ترین امور است، بی‌آن‌که بین زمان حضور و غیبت امام و این

۱. باقی، درشناخت حزب قاعدین (موسوم به انجمن حجتیه)، ص ۱۲۲.

۲. حضرت صادق علیه‌السلام می‌فرماید: «مَا خَرَجَ وَ لَا يَخْرُجُ مِنَّا أَهْلُ الْبَيْتِ إِلَى قِيَامِ قَائِمِنَا أَحَدٌ لِيُدْفَعَ ظُلْمًا أَوْ يَنْعَشَ حَقًّا إِلَّا اضْطَلَمَتْهُ الْبَلِيَّةُ، وَ كَانَ قِيَامُهُ زِيَادَةً فِي مَكْرُوهِنَا وَ شِيْعَتِنَا؛ تا وقتی که زمان قائم ما فرا نرسیده است، هر کس از خاندان پیامبر برای دفع ظلم یا إقامة حق قیام کند، بلاها او را فرا می‌گیرند و قیامش موجب افزایش ناراحتی ما اهل بیت و شیعیان می‌گردد» (فیض الاسلام، مقدمه صحیفه سجادیه، ص ۲۰). البته با مراجعه به تعداد فراوانی از کتاب‌های حدیث، این روایت تنها در مقدمه صحیفه سجادیه، ص ۲۰ آمده است و در دیگر متون ملاحظه نمی‌شود.

کشور و آن کشور فرقی باشد.^۱ ایشان در جای دیگر می‌فرمایند:

« ما تکلیف داریم آقا! این طور نیست که ما منتظر امام‌زمان عجل الله تعالی فرجه هستیم، پس دیگر بنشینیم تو خانه‌هایمان، تسبیح را دست بگیریم و بگوییم عجل علی فرجه. عجل، با کار شما باید تعجیل بشود؛ شما باید زمینه را فراهم کنید برای آمدن او، و فراهم کردن این که مسلمین را با هم مجتمع کنید. همه با هم بشوید؛ ان شاء الله ظهور می‌کند ایشان.^۲»

دیدگاه امام در این گفتار، هرگونه عذر و بهانه‌ای را برای شانه‌خالی کردن از مسئولیت، تن دادن به ذلت و تحت سیطره ظالم بودن از بین می‌برد؛ زیرا عدل‌محوری از مشخصه‌های بارز جامعه مهدوی و داعیه‌داران برپایی آن می‌باشد. سردار سلیمانی نیز به عنوان یکی از شاگردان مکتب امام خمینی، دنباله رو ایشان می‌باشد و از این رو، در سایه حکومت اسلامی توانست بسیجی فراجناحی - فراملیتی تشکیل دهد و حماسه‌های بزرگ لبنان، سوریه، عراق، افغانستان، یمن و فلسطین را به نمایش بگذارد و قدرت و نفوذ حکومت اسلامی را به رخ تمام مکاتب، جریان‌ها و نظریاتی بکشد که مخالف تشکیل حکومت اسلامی بودند. به عبارتی دیگر، مکتب سلیمانی نمادی از تحقق همه نیکی‌ها و هنجارها است.

انتظار در معرفت‌شناسی خردپذیر

توجه به مهدویت در دوران گذشته، بیش‌تر نگاه سطحی و عاطفی بوده است. رویکرد نقلی محض به مهدویت و دیدگاه احساسی باعث به وجود آمدن تناقض در نقلیات و روایات تاریخی می‌شود که نمی‌توان در مورد آنان تحلیلی عقلی ارائه کرد.^۳ انجمن حجتیه با رویکردی جزئی‌نگر به دین و روایات و بسنده کردن به برداشت‌های ظاهری از روایات به انحراف دچار شدند. وقتی کسی در مکتب و جریانی درمورد مسئله‌ای دینی اظهار نظر می‌کند، باید همه آیات و روایات را بررسی و رابطه آن موضوع با مسائل دیگر دینی را تبیین کند؛ اما مشکل اعضای حجتیه این بود که برخی

۱. ر.ک: امام خمینی، صحیفه نور، ج ۱۸، ص ۲۴.

۲. امام خمینی، همان، ص ۲۶۹.

۳. عرفان، نقش انقلاب اسلامی ایران در تغییر نگرش به آموزه مهدویت، ص ۶.

روایات را می‌گرفتند و با توجه به همان، نظر می‌دادند. برای مثال در جریان حرکت و قیام امام حسین علیه السلام آن را به مثابه دستور خاص خدا و مخصوص حضرت می‌دانستند؛ همانند قربانی کردن فرزند حضرت ابراهیم علیه السلام که دستور خاص الاهی به آن حضرت بوده است. بنابراین، قیام و جریان امام حسین علیه السلام را فاقد الگوگیری می‌دانند و به تبع آن، بدون تعمق در آیات و روایات حکم به قیام در برابر ظالم را نادیده می‌گیرند و مبتنی بر مسیر تاریخ و رسیدن به عصر غیبت، حرکت امام خمینی را زیر سوال می‌برند و کشته شدگان در مسیر تحقق آرمان‌ها و ارزش‌های اسلامی را خون‌های به هدر رفته برداشت می‌کردند.^۱ نکته مورد توجه این است که، جامعه امروز و فکر پویای جوان مهدوی و منتظر، نمی‌تواند همانند گذشته و نگاه سنتی بعد از تبیین امام خمینی از خوانشی فعالانه از جامعه و فرد منتظر، تنها به ظاهر روایات نگریسته و منفعلانه بنشیند تا امام معصوم بیایند و امور را رهبری کنند؛ در حالی که، در برخی روایات همانند منادی پرشوری، افراد جامعه را برای آماده‌سازی ظهور و فراهم کردن مقدمات رهبری امام معصوم علیه السلام فرا می‌خواند.

خلاف عقیده انجمن حجتیه، سردار سلیمانی در بخشی از وصیت‌نامه خویش این‌طور بیان می‌کند:

«امروز قرارگاه حسین بن علی علیه السلام، ایران است. بدانید جمهوری اسلامی حرم است و این حرم اگر ماند، دیگر حرم‌ها می‌مانند. اگر دشمن، این حرم را از بین برد، حرمی باقی نمی‌ماند، نه حرم ابراهیمی علیه السلام و نه حرم محمدی صلی الله علیه و آله و سلم... خیمه، خیمه رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم است. اساس دشمنی جهان با جمهوری اسلامی، آتش زدن و ویران کردن این خیمه است. دور آن بچرخید. والله والله والله این خیمه اگر آسیب دید، بیت‌الله الحرام، حرم رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم، نجف، کربلا، کاظمین، سامرا و مشهد باقی نمی‌ماند؛ قرآن آسیب می‌بیند.»^۲

همان‌گونه که از جملات ایشان بر می‌آید، سردار از ظاهر روایات و نقلیات، به سمت تفکر و عملیاتی کردن فلسفه اصلی روایات حرکت کرده و اهمیت آن را در کلان و کلیت قرار می‌دهد و با نگاهی عمیق، نافذ و هوشمندانه اصل را از روایات برداشت کرده و کلاس راهبردی عصر غیبت و انتظار

۱. سرویس فرهنگی و اجتماعی خبرگزاری رسا، گفتگو با حجت‌الاسلام رضا اکبری‌آهنگر، ۱۲ شهریور ۱۳۹۹، کدخبر: ۶۶۲۳۱۳

<https://rasanews.ir/fa/news/662313/>

۲. بابائی‌طلاتپه، بیابید اینگونه باشیم (مبانی و اصول مکتب شهید سلیمانی)، ص ۱۱۶.

را جمهوری اسلامی می‌داند و تعمیم گسترده تری ارائه می‌کند. سردار، چگونگی و چرایی پیشروی دشمنان را در نشست‌ها و عدم تحلیل صحیح از روایات دانسته و فهم ناقص و ظاهری را نهایت به ضرر و نابودی اسلام به دست دشمنان می‌داند. ایشان راهکار جلوگیری از اتفاقات شوم تسلط دشمنان را در بصیرت افزایی، فعالانه زیستن و هوشیار بودن جامعه مهدوی می‌داند.

ولایت فقیه هسته مرکزی انتظار

دیدگاه انقلاب اسلامی در عصر غیبت،^۱ مهم‌ترین بخش تمایز دیدگاه و رویکرد فعالانه و راهبردی و هویت‌ساز به آموزه‌های مهدوی بوده است. انحصار انتظار و به طور کلی مهدویت، تنها به یک تئوری یا نظریه دینی مانعی برای ارائه نهضتی اصلاحی و جهان شمول است. عدم توجه به ظرفیت این آموزه و دیدگاه حداقلی به آن، در حالی که دارای پتانسیل بسیار قوی است، چه در حیطه نظر و چه در بُعد عملی؛ اجحاف به مهدویت است؛ چرا که این آموزه، از یک یا چند نظریه تعمیم نیافته محدود نگر و حتی فراتر از یک قانون عملی، بسیار فراتر است.^۲ یکی از راهکارهای مؤثر در دوره انتظار و بسترسازی مناسب برای زمان ظهور، داشتن رهبری با نگاه وسیع و جهانی می‌باشد. در ظرف چنین دیدگاهی مکتب سردار سلیمانی رشد می‌کند؛ چنان که در وصیت نامه ایشان چنین آمده است:

«جهان اسلام پیوسته نیازمند رهبری است؛ رهبری متصل و منصوب شرعی و فقهی به معصوم. خوب می‌دانید منزه‌ترین عالم دین که جهان را تکان داد و اسلام را احیا کرد، یعنی خمینی بزرگ و پاک ما، ولایت فقیه را تنها نسخه نجات بخش این امت قرار داد. لذا چه شما که به عنوان شیعه به آن اعتقاد دینی دارید و چه شما که به عنوان سنی اعتقاد عقلی دارید، بدانید [باید] به دور از هرگونه اختلاف، برای نجات اسلام خیمه ولایت را رها نکنید... برادران و خواهران عزیز ایرانی من... از اصول مراقبت کنید. اصول یعنی

۱. در این جا به دلیل این که واژه «غیبت» یعنی در زمان نبود امام معصوم و لاجرم دوره «انتظار» را شامل می‌شود؛ این دو واژه، یعنی «غیبت» و «انتظار» به یک معنا لحاظ شده‌اند.

۲. اخوان کاظمی، بهرام، نگرش‌هایی نو به آموزه مهدویت، ص ۱۸.

ولی فقیه، خصوصاً این حکیم مظلوم، وارسته در دین، فقه، عرفان و معرفت؛ خامنه‌ای عزیز را عزیز جان خود بدانید. حرمت او را حرمت مقدسات بدانید.»^۱

در پیشبرد نظام جهانی سردار، ساختن و پروراندن زمینه برای ظهور که مهم‌ترین بخش توجه ایشان بوده، ولایت‌پذیری و اطاعت محض از رهبری در عین درایت، خلاقیت و ابتکار ایشان است. این دیدگاه، مکتب سلیمانی را شکل می‌دهد. دفاع سردار از ارزش‌ها؛ حمایت و پاسداشت از ولایت‌فقیه و دفاع ایشان از مصداق ولایت، آیت‌الله خامنه‌ای برگرفته و تلمذ از مکتب امام خمینی می‌باشد؛ چون طبق دیدگاه امام خمینی «ولایت‌فقیه همان اختیارات رسول اکرم صلی الله علیه و آله را دارد... همان ولایتی را که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در امر اداره جامعه داشت؛ دارا می‌باشد؛ و بر همه مردم لازم است که از او اطاعت کنند...»^۲ بر همین اساس است که شیوه رفتاری سردار در ایستادگی و دفاع از رهبری است؛ به طوری که آماده بود جانش را هزاران بار فدای ولایت و جان ولی فقیه زمان خود کند؛ زیرا در مکتب او، منویات ولی فقیه همان شیوه امام زمان عجل الله تعالی فرجه له می‌باشد. فدا کردن جان بزرگ‌ترین و مهم‌ترین نماد عرض خاکساری در برابر اعتقادات و فهم اهمیت وقوع واقعه جهانی ظهور است، و برای رسیدن به این امر، تعظیم در برابر مقدمه ظهور، یعنی پذیرش ولایت فقیه از اصول و مقدمه واجب پذیرش ولایت حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه له می‌باشد.

در مقایسه میزان پذیرش سردار در باب ولایت‌فقیه و زیر مجموعه مکتب امام خمینی و قبول آن در نبود امام معصوم با انجمن حجتیه؛ باید گفت، انجمن حجتیه، پیش از انقلاب اسلامی، ولایت فقیه را بر مبنای نظریه امام خمینی قبول نداشته و تنها با دیدگاه فقهی صرف به آن نگریسته است و همواره در تلاش بوده است با برجسته کردن مرجعیت عام و محور دانستن آن، مرجعیت عام را در برابر ولی فقیه قرار دهد و مسئله بودن رهبر سیاسی واحد در کنار مرجعیت را مطرح کند. انجمن به ولایت عامه قائل است؛ یعنی همه مجتهدان ولایت دارند و فقیه اعلم در میان آنان وظیفه‌اش نظارت بر جریان امور است.^۳ بنا بر این نظریه، رهبر جامعه، پیشوای سیاسی و اجتماعی است و

۱. شیرازی، شاخص‌های مکتب شهید سلیمانی، ص ۷۰.

۲. امام خمینی، ولایت‌فقیه، ص ۴۰.

۳. صدیقی، جریان‌شناسی انجمن حجتیه، ص ۱۵۸.

می‌تواند حتی شاه باشد یا او نباشد و شخص دیگری باشد؛ حتی یک آیت‌الله و مرجع تقلید باشد، ولی باز هم رهبر به حساب می‌آید، نه مرجع.^۱ اما برداشت انجمن حجتیه از بحث ولایت فقیه دارای نقص است؛ زیرا قبول ظلم برای حکمرانی خود، با قبول ولایت الهی در تناقض است.

انزوا طلبی اجتماعی یا اصلاح فردی

انجمن حجتیه در مباحث گوناگون، مفهوم انتظار را در قالب شعار به معنای اصلاح جامعه معرفی می‌کند و تلاش برای رسیدن به جامعه‌ای شایسته را سرلوحه کار خود می‌داند؛ در صورتی که طبق مباحث پیشین در بیشتر مواقع، به انتظار به صورت تک بعدی نگریسته و به آن عمل کرده است. برای اصلاح جامعه و بسترسازی ظهور و درجهت انتظار در بُعد فردی، انجمن راهکارهایی دارد. آقای حلبی در سال ۴۷ این‌گونه بیان می‌کند:

«عرض کردم که شما روی هر جهتی از جهات انسانی که فکر کنید، ما نسبت به امام زمان مان وظیفه داریم. وظایف چند دسته هستند: وظایف قلبی، وظایف بدنی، وظایف مالی... ترویج حضرت هم منحصر به زبان و قلم نیست؛ پول از همه بالاتر است. روزهای جمعه سفره پهن کنید؛ به نام امام زمان ارواحنا فداه. چند تا از اهل علم، مخصوصاً سادات علما را تحت عنوان دعای ندبه دعوت کنید. شیر و چای مفصلی بدهید و بعد از دعا، چاشتی بدهید تا یکی دو ساعت دیگر بحث امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف بشود. بعد ناهار بدهید. این خود، تعظیم و تجلیل امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و تشویق مردم به ساحت ولایت آن بزرگوار است.»^۲

لذا بر این اساس، اعتقاد به ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف از منظر انجمن، تنها در محبت و ولایت به معنای دوستی و صرفاً بُعد عبادی و نماز خواندن و برخی فعالیت‌های جزئی اجتماعی که دیدگاه اندک و استفاده بسیار حداقلی از مهدویت است؛ خلاصه می‌شود.

۱. علیانسنب و علوی‌نیک، جریان شناسی انجمن حجتیه، ص ۹۱.

۲. جمعی از شاگردان، آفاق انتظار، ص ۶۶-۷۱.

سردار نیز انتظار را به صورت فردی پذیرفت و به عنوان فردی عاقل و عادل در چارچوب نظام جمهوری اسلامی، صفاتی همچون شهوت، خشونت و قدرت‌طلبی را مهار، و صفاتی مثل عفت، شجاعت و همت را جایگزین کرد. ایشان از عدالت گذر کرد و به محبت و احسان رسید و عالم‌گیر شد؛ زیرا قلبش برای تمام مظلومان جهان می‌تپید. این دلیلی، بود بر این که از رنج آن‌ها، خواب به چشمانش نیاید.^۱ کسی که منتظر است، علاوه بر اصلاح جامعه، خود را باید اصلاح کند. از این رو بود که می‌گفت: «تا کسی شهید نشود، شهید نمی‌شود.» این تعبیر به معنای سلوک و تربیت شخصی می‌باشد. حاج قاسم به تعبیر خودش مشی و راه شهدا را برگزیده بود، مانند آنان می‌اندیشید و عمل می‌کرد و در هوایی استشمام می‌کرد که شهدا از آن استشمام می‌کردند. بر این باور بود به دنیا تا اندازه‌ای توجه داشته باشد که برای آسمانی شدن ضرورت دارد. پیش از این که عناوین نظامی داشته باشد، «حاج قاسم» بود، فردی مؤمن، متدین و انسانی ساده و بی‌آلایش. چنان وصیت کرد که بر سنگ قبرش تنها بنویسند: «سرباز قاسم سلیمانی». در مقابل همه تواضع و فروتنی از قامت و سیمایش متجلی بود، ادب و متانت، وقار و طمأنینه وی حتی در مواجهه با مخالفان ستودنی بود.^۲ حاج قاسم به معنای واقعی کلمه الگویی تمام عیار و فردی منتظر بود که برخلاف تفکر انجمنی که به خودسازی فردی بسنده می‌کرد و با دست روی گذاشتن منتظر آمدن امام معصوم بود؛ حاج قاسم اهتمام داشت تا بتواند با قدرت درونی بالاتر زمینه رشد اجتماعی برای ساختن و رسیدن به جهانی پر از عدل را فراهم کند.

تحدید نشانه‌های ظهور

انجمن‌حجتیه منتظر است و باید منتظر بماند تا ولی عصر عجل الله فرجه خود بیایند و زمام امور را به دست گیرند، انجمن در بسیاری از نشریات و نوشته‌های خود در مورد نشانه‌های ظهور چنین اذعان دارد:

۱. بر اثر شیوع گناه و فحشاء، انسان‌ها بدترین خلق خدا در روی زمین می‌شوند و خداوند آن‌ها را به سه بلا دچار می‌کند: جور سلطان، قحطی زمان، ستم حکام؛

۱. لک‌زایی، سردار سلیمانی کارگزار تراز نظام اسلامی، ص ۴۷۲.

۲. بابایی طلاتپه، بیابید اینگونه باشیم، (مبانی و اصول مکتب شهید سلیمانی) ص ۴۳-۴۴.

۲. مردم از هم بیزار و همدیگر را مورد لعن قرار می‌دهند، به روی هم آب دهان می‌اندازند و به کفر یکدیگر شهادت می‌دهند؛

۳. گرانی، قحطی، زلزله‌های پیاپی، قتل و غارت، شیوع گناه و فساد و...؛^۱

همین‌طور می‌گوید: «ما در گفتارهای پیشوایانمان، با این واقعیت روبه‌رو هستیم که انقلاب جهانی امام دوازدهم هنگامی است که ظلم و ستم گیتی را فراگرفته و کژی و نادانی سایه شوم خود را همه جا گسترده است.» یکی از اعتقادات راسخ انجمن در ایام انتظار رزم تدافعی و در کمین نشستن برای جنگ بزرگ دوران ظهور می‌باشد.^۲

سردار برخلاف اعتقاد انجمنی‌ها که غلبه سیاهی و بی‌عدالتی را یکی از شروط ظهور می‌دانند، به زمینه‌سازی برای آمدن امام معصوم عجل‌الله‌فرجه معتقد بود؛ چه به صورت فردی و چه به صورت عملیاتی. سردار معتقد بود پیروزی انقلاب خود یکی از بزرگ‌ترین نشانه‌های ظهور و مقدمه عالم‌گیر شدن انسانیت و دین‌الاهی می‌باشد: «دست عنایت خدای تبارک و تعالی بر سر این ملت کشیده شده است و ایمان آن‌ها را تقویت نموده است که یکی از علائم ظهور بقیه الله ارواحنا فداه است.»^۳

انتظار در فراسوی جهان

انجمن نگاه بومی‌گرایانه به انتظار دارد و امام را مختص شیعه می‌داند. پس اصلاحی هم اگر قرار باشد صورت بگیرد، شیعیان، باید خود را اصلاح کنند، آن هم اصلاحی فردی. به همین دلیل، زمانی که شیعیان برای حق‌طلبی و قیام کشته می‌شوند، بر اساس اعتقادی انجمن حجتیه خوششان به هدر رفته است؛ زیرا باید جان خود را حفظ کنند در پستوهای خانه منتظر باشند تا زمانی که حکومت اسلامی با رهبری امام معصوم تشکیل شود. انجمن می‌گوید:

۱. باقی، درشناخت حزب قاعدین، ص ۱۳۹، به نقل از نشریه آخرین سفیر الهی و حکومت جهانی او.

۲. همان، ص ۱۴۲.

۳. امام خمینی، صحیفه نور، ج ۱۶، ص ۳۲.

هر مبارزه‌ای نیروها را تلف می‌کند و بهانه‌ای برای به هدر دادن نیروها است. ملت شیعه باید بیش از هر چیز و پیش از هر کار به فراهم ساختن این جنگاوران پاک و دلاور همت گمارد و برای تربیت آنان تلاش و کوشش نماید و به هیچ بهانه نباید نیروی آنان را هدر دهد و تلف کند. از آن سو دشمنان و بدخواهان درصددند تا به هزار و یک دسیسه، قدرت شیعه را نابود سازند و این گروه مبارز را از هم بپاشند. در این میان، جز پنهان کاری و دشمن فریبی، یعنی تقیه چاره‌ای نیست.^۱

آیت الله خزعلی در دفاع از آنان می‌گوید: «آنها نمی‌توانستند با مسایل حساس سیاسی خود را درگیر کنند و تقیه می‌کردند...»^۲ درحالی که به صراحت در قرآن آمده است حفظ اسلام قطعاً بر حفظ جان و مال و آبرو اولویت دارد و تقیه برای حفظ ایمان است، نه مؤمن و در مورد انجمن بیش‌تر شبیه توجیه کردن است؛ مطابق این که باید نشست تا امام زمان عجل الله تعالی فرجه له خود بیایند.^۳ در حالی که امام خمینی در کتاب ولایت فقیه می‌فرماید: «تقیه برای حفظ اسلام و مذهب بود که اگر تقیه نمی‌کردند، مذهب را باقی نمی‌گذاشتند. تقیه مربوط به فروع دین است... اما وقتی اصول اسلام، حیثیت اسلام، در خطر است، جای تقیه و سکوت نیست.»^۴ به اعتقاد امام خمینی، امام عصر عجل الله تعالی فرجه له برای عالم است و جهان باید خود را اصلاح و زمینه ظهور را فراهم کند. سردار سلیمانی نیز در پیروی از خط رهبری، از همان ابتدای امر و در دوره‌ای که کشور مورد حمله قدرت‌های جهان بود، طی سخنرانی قبل از عملیات کربلای یک این‌گونه می‌گوید:

فرمانده شما امام زمان عجل الله تعالی فرجه له است... خودتان را برای نبردی همه‌جانبه آماده کنید که می‌دانم آماده کرده‌اید. می‌دانم شماها از این که گوشه‌ای از خاک کشورتان دست دشمن باشد، ناراحت هستید و ما با هم و به کمک فرماندهان آقا امام زمان عجل الله تعالی فرجه له، مهران را از

۱. باقی، در شناخت حزب قاعدین زمان، ص ۱۳۵، به نقل از کتاب انتظار بذر انقلاب، ص ۱۱۸.

۲. کرمی پور، خاطرات آیت الله ابوالقاسم خزعلی، ص ۱۴۵.

۳. علیانسنب و علوی نیک، جریان شناسی انجمن حجتیه، ص ۸۱.

۴. امام خمینی، روح الله، ولایت فقیه، ص ۱۳۵.

لوٹ وجود حزب بعث پاک خواهیم کرد. ما به فرمان ولایت می‌جنگیم و از کمیت و کیفیت تجهیزات دشمن نمی‌هراسیم.^۱

مکتب سلیمانی در میدان بودن و اعلان جهانی آرمان‌ها و ارزش‌های اسلامی و شیعی و به تجلی رساندن مکتب امام خمینی است. تقیه و مستور بودن در مکتب او جایی ندارد؛ اعم از این که در برابر حکومت ظلم در ایران باشد، یا مورد ظلم واقع شدن آحاد انسانی در هر جای جهان، با هر مذهب و آیینی. مکتب سلیمانی، به معنای جنگیدن و آماده کردن جهان برای برپایی عدالت است؛ در حالی که در قاموس انجمن حجتیه شرط حرکت، وجود امام معصوم است و در صورت نبود ایشان، پنهان شدن و تقیه کردن و منتظر بودن همان حرکت و انتظار می‌باشد.

یکی از بهترین و گرانبهارترین سرمایه‌ها شخصیت سردار سلیمانی، توانمندی ایشان در مدیریت گروه‌هایی بود که دارای قومیت‌ها و فرهنگ‌های متفاوت از منظر زبان، رنگ، نژاد، مذهب و سایر مؤلفه‌ها بودند. مدیریت اثربخش در محیط‌های چندفرهنگی، به دانش، نگرش و مهارت‌های خاص نیازمند است که نتیجه تجربیات متراکم و منحصر به فرد این فرمانده بود. مدیریت و رهبری در عرصه محیط‌های چندفرهنگی، به شناخت دقیق این فرهنگ‌ها به صورت عمیق و توانایی بهره‌مندی از آن نیاز دارد.^۲ مهندس پرویز فتاح، رئیس بنیاد مستضعفان می‌گوید:

آن قدر روح حاج قاسم بالا بود و ذهنش وسیع بود، با افرادی در خارج از کشور کار می‌کرد و آن‌ها برای حاج قاسم کار می‌کردند که واقعاً در ایران با این روحیاتی که مخصوصاً نیروهای حزب‌اللهی دارند؛ عمراً با این‌ها کار نمی‌کنند. سپاه سلیمانی، دامنه‌اش خیلی وسیع بود. فقط این نبود که با نیروهای حزب‌اللهی و ارزشی و مدافعین حرم کار کند؛ که البته حساب اصلی‌اش، روی این‌ها بود؛ ولی من با قاطعیت می‌خواهم بگویم حاج قاسم توانست خیلی‌ها را در دنیا به سپاه خودش جذب کند.^۳

۱. اکبری، حاج قاسم ۲، خاطراتی از شهید حاج قاسم سلیمانی، ص ۱۱۳.

۲. رحمانی، مدیریت و فرماندهی سردار قاسم سلیمانی، چاپ شده در مجموعه عقل سرخ به اهتمام سید مجید امامی، ص ۳۰۱.

۳. شیرازی، شاخص‌های مکتب شهید سلیمانی، ص ۸۵.

دشمن شناسی منتظران

الف) دشمن شناسی ایدئولوژیک

یکی از اصول اساسی تشکیل انجمن حجتیه مبارزه با فرقه بهائیت بود؛ اما تنها به مبارزه فکری و ایدئولوژیکی بسنده می‌کردند و با این که برخی از سران حکومت پهلوی بهایی بودند، انجمن نسبت به آن‌ها هیچ‌گونه اعتراضی نداشت. شهید هاشمی‌نژاد می‌گوید: «این جور نبود که رژیم بگوید بروید و با بهائیت مطلقاً مبارزه کنید... بنابراین، در بُعد اقتصادی مبارزه‌ای با بهائیت نداشتند و نمی‌توانستند هم داشته باشند؛ در بُعد سیاسی به همین ترتیب... فقط در بُعد فکری.»^۱ بعد از پیروزی انقلاب، انجمن باز تحت تاثیر ویژگی فکری خود (پرداختن به فرعیات و شاخ و برگ) به گروه‌های چپ و مارکسیسم حساسیت نشان می‌داد و شوروی را به خاطر ایده کمونیستی‌اش خطر بزرگی عنوان می‌کرد.^۲ یکی از آگاهان می‌گوید: «آمریکا دشمن انقلاب اسلامی است، آن وقت انجمن حجتیه بعد از انقلاب در برابر آمریکا، شوروی را به عنوان خطر نشان می‌دهد و معرفی می‌کند. انجمن بعد از انقلاب تمام نیرویش را گذاشت؛ برای این که ثابت کند مارکسیسم، اصلاً یک ایدئولوژی بی محتوا و بی پایه و غلط است...»^۳ انجمن با اولویت قرار دادن مسائل روبنایی و فرعی، خطر مارکسیسم را جدی تلقی کرده در حالی که حزب توده، پیش از انقلاب می‌توانست خطر بزرگی شود؛ اما مارکسیسم در اواخر جنگ تحمیلی نه تنها در اندیشه تهاجم فکری و فرهنگی نبود، بلکه در بقای خود تردید داشت تا آن جا که امام خمینی طی نامه‌ایی به گورباچف، پایان عصر کمونیسم و دوری از خدا و معنویت را اعلام کرد.^۴

دشمن شناسی سردار سلیمانی زبازند خاص و عام بود و زمانی که شجاعت و تدبیر ترکیب شوند؛ تحت فرماندهی آموزه‌های مکتب امام خمینی و سپس مقام معظم رهبری، از ایشان فرمانده بدون

۱. علیانسنب و علوی نیک، جریان شناسی انجمن حجتیه، ص ۲۳.

۲. جعفریان، جریان‌ها و سازمان‌های مذهبی-سیاسی ایران، ۳۶۸.

۳. مصاحبه اختصاصی کیهان با حجت الاسلام خوئینی‌ها، ۱۳۶۱/۵/۲۱، ص ۱۸.

۴. ر.ک. جوادی‌آملی، آوای توحید «نامه امام خمینی (ره) به گورباچف»، رهبر اتحاد جماهیر شوروی، موسسه تنظیم و نشر آثار امام

خمینی، چاپ ششم، تابستان ۱۳۷۶

مرزی می‌سازد برای دفاع از مظلومان و ستم دیدگان با هر ملیت و مذهبی. از این رو، ایشان اهل مقاومت و نبرد به نفع مظلومان بود، نه اهل سازش و تسلیم. همواره خود را سرباز ولایت می‌دانست و با درک عمیق جایگاه ولایت فقیه، همگان را به اطاعت و پیروی از ولی دعوت می‌کرد، تا جایی که شرط مهم عاقبت‌بخیری را تعیین نسبت واقعی و شخصی انسان مسلمان شیعه، با ولی فقیه حکیم می‌دانست.^۱ سردار در هفته بسیج ۱۳۹۷ می‌گوید:

چون در هر جریان مهمی، آفت‌های مهمی هم به وجود می‌آید که اگر از آن آفت‌ها مراقبت نشود، آن جریان اثرگذار و مهم، به دلیل این که مورد توجه و طمع است، آسیب خواهد دید. شما می‌بینید در دوره معاویه، او با خلفای ما قبل امیرالمؤمنین کاری نداشت...؛ چون آن‌ها کاری به او نداشتند...؛ مثل وضعیتی که ما امروز در جهان داریم. خیلی از کشورها هستند که آمریکا و رژیم صهیونیستی، کاری با آن‌ها ندارند؛ اما با کشور ما سر جنگ دارند. این موضوع، دقیقاً همان تضاد منتج و سیاست امیرالمؤمنین با سیاست‌های معاویه است. امام عادل نمی‌توانست حاکمیت یک جریان فاسق را بر بخشی از حکومت اسلامی تحمل کند.^۲

یکی از شاخصه‌های مهم مکتب سردار، دشمن‌شناسی عمیق ایشان و سرایت دادن اتفاقات گذشته تاریخی به امروز و ایستادگی و مقاومت در برابر ظلم و کفر و همین‌طور فهم وقایع و درایت در میدان و به دست گرفتن ابتکار عمل بود؛ به طوری که از ایشان دشمنی سرسخت در منطقه و به بیان بهتر در جهان در برابر استکبار ساخته بود. آیت‌الله خامنه‌ای در ۱۸ دی ۱۳۹۸ فرمودند:

شهید سلیمانی، هم شجاع بود هم با تدبیر بود. صرف شجاعت نبود، بعضی‌ها شجاعت دارند؛ اما تدبیر و عقل لازم برای به کار بردن این شجاعت را ندارند. بعضی‌ها اهل تدبیرند؛ اما اهل اقدام و عمل نیستند؛ دل و جگر کار را ندارند. این شهید عزیز، هم دل و جگر داشت (به دل خطر می‌رفت و ابا نداشت؛ نه فقط در این حوادث این روزها، در دوران دفاع مقدس هم در فرماندهی لشکر ثارالله همین‌جوری بود؛ خودش و لشکرش)

۱. لک‌زایی، سردار سلیمانی کارگزار تراز نظام اسلامی، چاپ شده در مجموعه عقل سرخ به اهتمام سیدمجید امامی، ص ۴۷۲.

۲. شیرازی، شاخص‌های مکتب شهید سلیمانی، ص ۹۳.

هم با تدبیر بود، فکر می‌کرد، تدبیر می‌کرد، منطقی داشت برای کارهایش. این شجاعت و تدبیر توأمان، فقط در میدان نظامی هم نبود؛ در میدان سیاست هم همین‌چور بود. بنده بارها به دوستانی که در عرصه سیاسی فعالند، این را می‌گفتم، رفتار او را، کارهای او را. در عرصه سیاست، هم شجاع بود، هم با تدبیر بود. سخنش اثرگذار بود، قانع‌کننده بود، تاثیرگذار بود.^۱

ب) دشمن شناسی شیوه و ابزار جنگی

یکی دیگر از وظایفی، که به تصریح روایات، در دوران غیبت بر عهده شیعیان و منتظران فرج حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه است، کسب، آمادگی‌های نظامی و آماده کردن تسلیحات مناسب هر عصر برای یاری و نصرت امام غایب است. فعالیت فردی آموزه‌های انجمن، توجه جدی به سه مسئله دارد که عبارتند از: خودسازی، دیگرسازی به صورت مشروط و محدود و تهیه ابزار و آلات مورد نیاز چنان قیام شکوهمند، یعنی فراهم سازی.^۲ پیش از این گفته شد که انجمنی‌ها به ظاهر روایات و نقلیات متکی و معتقد هستند هر شیعه باید خود را برای ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه آماده کند و به روایت نعمانی از امام صادق ع استناد کرده‌اند. روایت چنین است:

«هر یک از شما باید برای خروج حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه [سلاحی] مهیا کند. هر چند یک تیر باشد. خدای تعالی هرگاه بداند کسی چنین نیتی دارد، امید آن است که عمرش را طولانی کند تا آن حضرت را درک کند [و از یاران و همراهانش قرار گیرد]»^۳ و یا در کتاب «انتظار بذر انقلاب» این گونه آمده است:

فلان عاشق مهدی شمشیری بزّا و براق ساخته بود و هر روز در خانه را می‌بست و با دوست خویش که شمشیر مشابهی داشت تمرین شمشیرزنی می‌کردند و با فرود آوردن

۱. شیرازی، شاخص‌های مکتب شهید سلیمانی، ص ۵۹-۶۰.

۲. علیانسنب و علوی نیک، جریان شناسی انجمن حجتیه، ص ۵۶.

۳. «لَيَعِدَنَّ أَحَدَكُمْ لِخُرُوجِ الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ لَوْ سَهْمًا فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى إِذَا عَلِمَ ذَلِكَ مِنْ بَيْتِهِ رَجَعَتْ لِأَنَّ بَيْتِي فِي عُمْرِهِ حَتَّى يَذُرَّكَهَ فَيَكُونُ مِنْ أَغْوَابِهِ وَ أَنْصَارِهِ» (طوسی، الغیبه، ص ۳۲۰)

هر ضربه شمشیر «عجل علی ظهورک» می‌گفتند و یک روز که یکی از آن دو به فرزند خویش گفت که شمشیر بزن، فرزند بار اول شمشیر را دور سر خود چرخاند و مرتبه دوم نتوانست. پدر به او اعتراض کرد که تو چگونه می‌خواهی امام زمانت را نصرت کنی؟^۱

این تفکر رادیکالی و نگاه ظاهری و ماندن در نوع تکنولوژی ابتدایی عصر پیامبر ﷺ، دلیلی بر یکجا نشستن انجمن است و این سوال مطرح می‌شود که حال در صورت نبود امام معصوم چه باید کرد؟

در حالی که در دشمن شناسی سردار، مطابق دیدگاه امام خمینی، بایستی قاطع و با تمام قدرت و تجهیزات در برابر دشمن ایستاد و خود، چنین بود. آیت‌الله خامنه‌ای در ۱۳۹۸ دی ۱۸ فرمودند:

این آدم، شهید عزیزمان، حاج قاسم سلیمانی، توانست در مقابل همه نقشه‌هایی که با پول، با تشکیلات تبلیغاتی وسیع آمریکایی، با توانایی‌های دیپلماسی آمریکایی، زورگویی‌هایی که آمریکایی‌ها روی سیاستمداران دنیا به خصوص کشورهای ضعیف دارند، تهیه شده بود، قد علم کند و این نقشه‌ها را در این منطقه غرب آسیا خنثا کند.^۲

سردار سلیمانی، دشمن را می‌شناخت؛ به طرح‌های دشمنان واقف بود و با نیرنگ و مکرشان آشنایی داشت و براساس آن با شجاعت و صلابت «اشداء علی الکفار» را معنا کرد. سردار همپا با تکنولوژی تجهیزاتی جهان حرکت می‌کرد و حتی قدمی جلوتر پیش می‌رفت و تجهیزات دقیق‌تری را طراحی می‌کرد و برخلاف حرکت رو به عقب انجمن حجتیه در مسیر پیشرونده و رو به جلو بود.

۱. باقی، در شناخت حزب قاعدین، ص ۱۳۳، به نقل از انتظار بذر انقلاب، ص ۱۰۰-۱۰۲.

۲. شیرازی، شاخص‌های مکتب شهید سلیمانی، ص ۹۳.

نتیجه گیری

انتظار در گذر ایام و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی معنای دیگری راه جست. از سکون و سکوت، تحمل ظلم، امید به یاری رسیدن از غیب بدون تلاش، به انتظاری پویا تغییر کرد. این بار، «انتظار» نه در جایگاه عاملی برای خاموش کردن روح سرکش اجتماع، بلکه به مثابه ابزاری برای دگرگون کردن وضع موجود و حرکت به سوی آینده موعود به کار گرفته شد. انقلاب اسلامی تنها الگوی عملی برداشت صحیح از انتظار در عصر حاضر است که آثار و نتایج شگفتی داشته است؛ چون قیام ضد بی عدالتی‌ها، تلاش برای پیشرفت و تکامل، مبارزه جویی با ظالمان و عدم همراهی با حاکمان نامشروع.

جوهره انتظار تشکیل شده است از آمادگی و بسترسازی برای ظهور. عصر غیبت زمانی است برای منتظران تا با بیشترین امکانات موجود در شکوفا کردن استعدادهای خود و حفظ و نگهداری از باورهای دینی و بارور کردن ظرفیت‌های شناختی و قابلیت‌های عملی بکوشد. همان طور که باز دارندگان برپایی عدالت مهدوی زمینه سلبی ظهور را مهیا می‌کنند؛ افراد جامعه منتظر لازم است با کسب صلاحیت‌های فردی و اجتماعی و باور به عملی شدن آرمان‌ها و ارزش‌ها و عینی کردن تربیت‌های دینی، زمینه ایجابی ظهور را فراهم کنند. مابین جبهه سلب و ایجاد زمینه برای ظهور، دیدگاهی ناقص با حمایت نگاه نقلی گرایانه و سنتی از اسلام رشد یافت که در نهایت در دهه ۶۰ به دلیل نداشتن توان کافی برای تحلیل و اقعاع عمومی به تعطیلی کشانده شد. داشتن فاکتورهایی همچون افزایش گناه برای تعجیل در ظهور، قائل به عدم تشکیل حکومت اسلامی در دوران غیبت، جدایی دین از سیاست و حرام دانستن مبارزه با ظلم؛ از پیامدهای این نظریه بود.

در مقابل، تعبیر نگرش عمومی در آموزه انتظار به عنوان مسئله‌ای فرعی به عنصری فعال و سیاسی، دلیلی برای بروز انقلاب اسلامی و کسب دستاوردهای ایدئولوژیک شد و با تمسک به این آموزه‌ها برای افراد جامعه هویتی مهدوی ایجاد گردید؛ هویتی که آدمی را به هدفی مقدس در جهت پیگیری آرمان‌های بلندش فرا می‌خواند و نمونه بارز آن در مکتب سردار سلیمانی نمود پیدا کرد؛ به طوری که حرکت در مسیر آن، علاوه بر هویت جدید در نگاه به انتظار، رفتارها، کنش‌ها و هنجارهای جدیدی را پدید می‌آورد، و نماد ولایت اجتماعی بوده و علاوه بر تمسک و توسل و

اشاعه تمامی شئونی که در پیش از انقلاب اسلامی برای بزرگداشت ائمه اطهار علیهم السلام انجام می گرفت، رأس حکومت نیز با عنوان ولی فقیه و پرچم دار ولی عصر عجل الله تعالی فرجه در دوره انتظار و غیبت بوده و دیدگاه جهانی برای گستراندن حق و عدالت در جهان داشت. زمانی که جامعه از ولایت فردی؛ یعنی محبت و اشک ریختن صرف در عزاداری های اهل بیت علیهم السلام و شادی های آن ها؛ خارج و وارد ولایت اجتماعی می شود از این طریق بسترسازی برای ظهور اتفاق می افتد. حاج قاسم منطقه را آماده کرد و مکتب ایشان با تغییر تفکر فردی از انتظار به تفکر اجتماعی؛ شیعه را به مراحل اجرایی ولایت اجتماعی وارد کرد.

پیروان مکتب سلیمانی، با نگاه جهانی برگرفته از نگاه حاج قاسم سلیمانی، بسیج جهانی اسلام را پر رونق تر خواهند کرد تا یک بار دیگر، جهان به ابتکار امام خمینی نظر اندازد و عظمت مکتب خمینی را در مکتب سلیمانی نظاره کند.

منابع

۱. اخوان کاظمی، بهرام. نگرش‌هایی نو به آموزه مهدویت، مؤسسه آینده روشن، قم، ۱۳۸۷.
۲. اکبری‌مزدآبادی، علی، حاج قاسم-۲، خاطراتی از شهید حاج قاسم سلیمانی، نشر یازهران^ع، تهران، بهمن، ۱۳۹۸.
۳. بابائی‌طلاتپه، محمدباقر، بیاپید اینگونه باشیم (مبانی و اصول مکتب شهید سلیمانی)، دانشگاه جامع امام حسین^ع - مؤسسه چاپ و انتشارات، تهران، ۱۳۹۹.
۴. باقی، عمادالدین، در شناخت حزب قاعدین (موسوم به انجمن حجتیه)، نشر دانش اسلامی، چاپ سوم، تهران، ۱۳۶۲.
۵. تاجری، حسین، انتظار بذر انقلاب، نشر کوکب، بی‌جا، ۱۳۵۸.
۶. جمعی از شاگردان، آفاق انتظار، آفاق، قم، ۱۳۸۴.
۷. جعفریان، رسول، جریان‌ها و سازمان‌های مذهبی-سیاسی ایران، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ نهم، تهران ۱۳۸۳.
۸. جوادی‌آملی، عبدالله، آوای توحید «نامه امام خمینی (ره) به گورباچف»، رهبر اتحاد جماهیر شوروی، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ ششم، تهران، ۱۳۷۶.
۹. خمینی، روح‌الله، ولایت فقیه، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، پاییز، چاپ ششم، تهران، ۱۳۷۶.
۱۰. خمینی، روح‌الله، صحیفه نور، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ج ۱۸، ۱۳۸۰.
۱۱. خمینی، روح‌الله، صحیفه امام، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، تهران، ۱۳۷۸.
۱۲. رحمانی، جعفر، مدیریت و فرماندهی سردار قاسم سلیمانی، چاپ شده در مجموعه عقل سرخ به اهتمام سید مجید امامی، دانشگاه امام صادق^ع، چاپ اول، تهران، ۱۳۹۹.
۱۳. شیرازی، علی، شاخص‌های مکتب شهید سلیمانی، نشر خط مقدم، قم، ۱۳۹۹.
۱۴. صدیقی، ابوالفضل، جریان‌شناسی انجمن حجتیه، فصلنامه تخصصی پانزده خرداد، دوره سوم، سال ششم، شماره ۲۰، ۱۳۸۸.

۱۵. طوسی، محمدبن حسن. **الغیبه**، مترجم: مجتبی عزیزی، قم، مسجد مقدس جمکران، ۱۳۸۷.
۱۶. علیانسب، سید ضیاءالدین و علوی نیک، سلمان، **جریان شناسی انجمن حجتیه**، وثوق، قم، ۱۳۸۸.
۱۷. عرفان، امیرمحسن، **نقش انقلاب اسلامی ایران در تغییر نگرش به آموزه مهدویت**، انتظار بهار، شماره ۳۲، ۱۳۸۹.
۱۸. کرمی پور، حمید، **خاطرات آیت الله ابوالقاسم خزعلی**، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران ۱۳۸۲.
۱۹. لکزایی، رضا، **سردار سلیمانی کارگزار تراز نظام اسلامی**، چاپ شده در مجموعه عقل سرخ به اهتمام سید مجید امامی، دانشگاه امام صادق علیه السلام، تهران.
۲۰. مطهری، مرتضی، **مجموعه آثار استاد شهید مطهری**، انتشارات صدرا، ۱۳۷۷.
۲۱. فیض الاسلام، **مقدمه صحیفه سجادیه**، انتشارات فیض الاسلام، ۱۳۶۶.
۲۲. منصور نژاد، محمد، «**جریان شناسی فکری پیرامون جمهوری اسلامی؛ ره یافت انتقادی**»، فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق علیه السلام، ش ۲۳، پاییز ۱۳۸۳.
۲۳. مهدی پور، فرشاد، **گونه شناسی جریان شناسی های فکری - فرهنگی در ایران معاصر**، فصلنامه دین و سیاست فرهنگی، شماره دوم، پاییز ۱۳۹۳.
۲۴. سرویس فرهنگی و اجتماعی خبرگزاری رسا، **گفت و گو با حجت الاسلام رضا اکبری آهنگر**، ۱۲ شهریور ۱۳۹۹، کد خبر: ۶۶۲۳۱۳.
۲۵. <https://rasanews.ir/fa/news/662313/>
۲۶. مصاحبه اختصاصی کیهان با حجت الاسلام خوئینی ها، ۱۳۶۱/۵/۲۱، ص ۱۸
۲۷. M.K.Mathotra, V.Grover "An Assessment of survey research in POM from constructs to theory" journal of operation management- 1998
۲۸. H.P.Mckenna "theory and research a linkage to benefit practice" pergamo- 199